

Defining the Concept of "Governance of Education" Through the Conceptual Integration of "Education" and "Governance"

Abdollah Asadi¹

Abstract

Governance of Education as an emerging and interdisciplinary concept, seeks to redefine the relationship between structures of authority and educational processes within the framework of Islamic-Iranian values. This study aims to elucidate the conceptual definition of Governance of Education by employing the method of conceptual integration to analyze its semantic and functional components. Drawing on the definition of education from the Fundamental Reform Document of Education (FRDE) in the Islamic Republic of Iran (2011) and the proposed definition of governance by Aali et al. (2024), this research extracts and compares the key components of education (purpose, process, tools, and roles) and governance (domain, actors, processes, purpose, authority, and values). Through conceptual overlaps, a comprehensive definition of educational governance is proposed: "Governance of Education is the process of systematically guiding interactions among governmental and non-governmental actors in the domain of education, through policy-making, regulation, and the exercise of legitimate authority within the framework of Islamic criteria, to facilitate the continuous formation and elevation of learners' identities, enabling them to consciously and voluntarily achieve the stages of a virtuous life (hayat tayyibah)." This definition is accompanied by an analytical framework with four dimensions (purpose, process, actors, and legitimacy) which can serve as a foundation for future research and educational policy-making. The findings indicate that educational governance, with its emphasis on value-oriented and multi-stakeholder participation, offers a distinct approach compared to traditional concepts such as educational management, and holds significant potential for both theoretical and practical development within Iran's educational system.

Keywords: Governance, Education, Governance of Education, Conceptual Analysis, Conceptual Integration.

1. Ph.D. Student in Governance, Supreme National Defense University, Tehran, Iran
Asadi71@gmail.com

تعریف مفهوم «حکمرانی تربیت»

بر اساس ترکیب مفهومی «حکمرانی» و «تربیت»

عبداله اسدی^۱

دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۵/۱۳

پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۸/۱۲

چکیده

«حکمرانی تربیت» به عنوان مفهومی نوظهور و میان‌رشته‌ای، تلاش می‌کند تا نسبت میان ساختارهای اقتدار و فرایندهای تربیتی را در چارچوب ارزش‌های اسلامی - ایرانی بازتعریف کند. این پژوهش با هدف تبیین تعریف مفهومی حکمرانی تربیت، با استفاده از روش ترکیب مفهومی، به تحلیل مؤلفه‌های معنایی و کارکردی این حوزه پرداخته است. با تکیه بر تعریف «تربیت» در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰) و تعریف پیشنهادی عالی و همکاران (۱۴۰۳) برای «حکمرانی»، این مطالعه مؤلفه‌های کلیدی تربیت (غایت، فرایند، ابزارها و نقش‌ها) و حکمرانی (قلمرو، بازیگران، فرایندها، غایت، اقتدار و ارزش‌ها) را استخراج و مقایسه کرده، و از طریق هم‌پوشانی‌های مفهومی، تعریف جامعی از «حکمرانی تربیت» ارائه کرده است: «فرایند هدایت نظام‌مند تعاملات میان بازیگران دولتی و غیر دولتی در قلمرو تربیت، که از طریق سیاست‌گذاری، تنظیم‌گری و اعمال اقتدار مشروع در چارچوب نظام معیار اسلامی، زمینه‌تکون و تعالی پیوسته هویت‌متریبان را برای تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه فراهم می‌آورد». این تعریف همراه با چارچوبی تحلیلی با چهار بعد (غایت، فرایند، بازیگران و مشروعیت) ارائه شده است که می‌تواند مبنای پژوهش‌های آینده و سیاست‌گذاری‌های تربیتی قرار گیرد. یافته‌ها نشان می‌دهد که حکمرانی تربیت با تأکید بر ارزش‌محوری و مشارکت چندجانبه، رویکردی متمایز از مفاهیم سنتی مانند مدیریت آموزشی ارائه می‌دهد و ظرفیت مطلوبی برای توسعه نظری و عملی در نظام تربیتی ایران دارد.

واژگان کلیدی: حکمرانی، تربیت، آموزش، حکمرانی تربیت، تحلیل مفهومی، ترکیب مفهومی.

۱. دانشجوی دکتری حکمرانی، مدرسه عالی حکمرانی شهید بهشتی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

مقدمه

در دهه‌های اخیر، تحول در نظام‌های تعلیم و تربیت به یکی از دغدغه‌های اصلی سیاست‌گذاران، متفکران حوزه تربیت و نهادهای رسمی حکمرانی در جهان تبدیل شده است. این تحول به‌ویژه در کشورهایی که به دنبال بازسازی الگوی بومی و ارزشی خود در حوزه تربیت هستند، اهمیتی دوچندان یافته است. در جمهوری اسلامی ایران، با تصویب و ابلاغ سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰)، جریان بازخوانی مفاهیم تربیتی و طراحی الگوی اسلامی - ایرانی تربیت شدت گرفت که نیازمند گسترش مفهومی و نظری تربیت از دید حکمرانی است. در همین راستا، «حکمرانی تربیت» به عنوان مفهومی نوپدید در حال تکوین است که می‌کوشد نسبت میان امر تربیت و ساختارهای اقتدار را در چارچوب اسناد بالادستی نظام تربیتی بازتعریف کند.

ادبیات در حوزه تربیت، اغلب به مفاهیم، چارچوب‌ها و اقدامات تربیتی از دید روان‌شناسی یا علوم تربیتی می‌پردازد؛ در حالی که در دهه اخیر، حوزه حکمرانی نیز به یکی از بسترهای نظری مهم برای فهم ساختاری و نهادی مسائل اجتماعی از جمله تعلیم و تربیت تبدیل شده است. ترکیب این دو حوزه و تولید مفهوم جدیدی به نام «حکمرانی تربیت»، تاکنون به صورت نظام‌مند در ادبیات پژوهشی کشور دنبال نشده است و بیشتر با کاربرستی کلی و غیر دقیق، جایگزین تعبیری همچون «مدیریت آموزشی»، «سیاست‌گذاری تربیتی» یا «نظام کلان آموزش و پرورش» شده است.

ضرورت تولید تعریف علمی و قابل دفاع از «حکمرانی تربیتی» از آن رو است که بدون تبیین مفهومی روشن، امکان گسترش نظری، طراحی سیاست‌های هماهنگ و استخراج شاخص‌های لازم وجود نخواهد داشت. افزون بر این، جداسازی دو حوزه مفهومی «تربیت» و «حکمرانی» و تلاش برای ترکیب خلاقانه آن‌ها، می‌تواند گامی مؤثر در راستای توسعه مرزهای دانش حکمرانی اسلامی و تأسیس زمینه اندیشه و عمل نو در قلمرو و آسان‌سازی امر تحول آموزش و پرورش به شمار رود. این ترکیب، با اتکا به تعریف رسمی و مصوب «تربیت»، به توسعه رشته نوظهور در علوم تربیتی و حکمرانی اسلامی - ایرانی و متناسب با نظام تربیتی کشور کمک می‌کند؛ بنابراین هدف اصلی این مقاله، تولید و تبیین تعریف مفهومی حکمرانی تربیت با استفاده از روش ترکیب مفهومی است و سؤال محوری پژوهش این است که: تعریف مفهومی حکمرانی تربیت، بر پایه ترکیب مفهومی دو حوزه حکمرانی و تربیت، چیست؟

مبانی نظری

پیشینه‌شناسی

سعید و سودین^۱ (۲۰۲۱) حکمرانی آموزشی را تحلیل، و مفاهیمی مانند عدالت و اقتدار مشروع را از آن رهگذر تبیین کردند. موک و هان^۲ (۲۰۲۳) چارچوبی برای حکمرانی آموزشی ارائه، و تعاملات نهادی را تعریف کردند. فورلانگ و لاون^۳ (۲۰۱۰) با روش تحلیل فلسفی معرفت‌شناسی و واژه‌شناسی، رشته‌های نوظهور علوم تربیتی را بررسی کردند. گزارش‌های بین‌المللی مانند یونسکو (۲۰۱۷) و سازمان همکاری اقتصادی و توسعه^۴ (۲۰۱۶) از تعبیر گوناگونی برای ترکیب حکمرانی و تربیت (آموزش) استفاده کرده‌اند که فاقد تعریف مفهومی مورد اجماع است. باقری (۱۳۹۵) مفاهیم تربیتی و مبانی معرفتی آن‌ها را تبیین کرده است. حسینی و همکاران (۱۴۰۳) با روش تحلیل محتوای کیفی، نقش حلقه‌های میانی در تربیت اسلامی را بررسی و اقتدار تربیتی را به‌عنوان یکی از مفاهیم محوری در حکمرانی تربیتی تحلیل کردند. نوروزی و همکاران (۱۴۰۳) با روش تحلیل مفهومی، مفاهیم تربیت و عدالت تربیتی را تبیین و بر حکمرانی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی تأکید کردند. میرزارضایی، حسینی و احمدی (۱۴۰۳) با روش ترکیبی تحلیل توصیفی و تفسیر موضوعی و مبتنی بر تفاسیر قرآنی، فرایند و ساختار حکمرانی تربیتی را بررسی، و اصول برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری، و نظارت را تبیین کردند. موسوی (۱۴۰۴) با روش فقهی - اجتهادی، مشارکت‌پذیری حاکمیت در تربیت رسمی را بررسی، و نقش مشارکت اجتماعی را به‌عنوان یکی از مفاهیم اساسی حکمرانی تربیتی تبیین کرد. پژوهش‌های داخلی به مفاهیم تربیت یا حکمرانی به‌صورت جداگانه پرداخته‌اند و مطالعات مستقیم در مفهوم‌شناسی حکمرانی تربیت در بستر اسلامی - ایرانی از حیث مفهوم‌پردازی، وجود ندارد. منابع خارجی به حکمرانی آموزشی توجه کرده‌اند، اما اولاً جهت‌گیری بومی را پوشش نمی‌دهند و ثانیاً تعریفی مورد اتفاق ارائه نکرده‌اند. این پژوهش تلاش می‌کند این خلاء را پر می‌کند.

مفهوم‌شناسی

تربیت: بر اساس سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰) تربیت عبارت است از فرایندی تعالی‌جویانه، تعاملی، تدریجی، یکپارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی که به‌منظور هدایت افراد

1. Sayed & Soudien

2. Mok & Han

3. Furlong & Lawn

4. Organization for Economic Co-operation and Development (OECD)

جامعه به‌سوی آمادگی برای تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه ابعاد، زمینه‌های مناسب تکوین و تعالی پیوسته هویت ایشان را در راستای شکل‌گیری و پیشرفت جامعه اسلامی فراهم می‌آورد.

حکمرانی: بر پایه تعریف پیشنهادی عالی و همکاران (۱۴۰۳) حکمرانی عبارت است از: فرایند هدایت تعاملات نظام‌مند بازیگران دولتی و غیر دولتی در یک قلمرو مشخص از طریق سیاست‌گذاری و تنظیم (و در مواردی بازتوزیع منابع) برای ارائه خدمات عمومی و تحقق اهداف جمعی، با اعمال اقتدار مشروع در چارچوب ارزش‌های آن قلمرو.

چارچوب نظری

مفهوم حکمرانی تربیت یا حکمرانی تربیتی به‌عنوان یک مفهوم میان‌رشته‌ای، از ترکیب دو حوزه «حکمرانی» و «تربیت» شکل گرفته است. این ترکیب، علاوه بر دیدگاه زبان‌شناختی و معرفت‌شناختی، از دید فلسفه‌های مضاف و کاربردهای آن در اسناد بین‌المللی نیز قابل بررسی است. از دیدگاه معرفت‌شناسی، تولید دانش جدید از طریق ترکیب مفاهیم، فرایندی است که نیازمند شناسایی هم‌پوشانی‌های معنایی و کارکردی میان دو حوزه مستقل است (گورتز^۱، ۲۰۰۶). در این راستا، ابتدا از دیدگاه زبان‌شناختی، ساختار و دلالت‌های معنایی تعبیر «حکمرانی تربیتی» در زبان فارسی بررسی می‌شود تا تمایز میان خوانش‌های وصفی و اضافی آن مشخص شود؛ سپس با الهام از رویکرد فلسفه‌های مضاف، این مفهوم به‌عنوان یک حوزه حکمرانی مضاف بررسی می‌شود. در گام سوم، کاربردها و معادل‌های تعبیر «حکمرانی تربیتی» در اسناد بین‌المللی بررسی خواهد شد تا کاربرد این تعبیر در دیگر نظام‌های آموزشی روشن شود. سرانجام با استفاده از نظریه ترکیب مفهومی^۲ فوکونیه و ترنر^۳ (۲۰۰۲)، فرایند ترکیب مفاهیم «حکمرانی» و «تربیت» طرح و پی‌ریزی می‌شود.

۱. تحلیل زبان‌شناختی تعبیر «حکمرانی تربیتی» در زبان فارسی

برای تحلیل دقیق مفهوم «حکمرانی تربیتی» و درک دلالت‌های معنایی آن، بررسی ساختار نحوی و معنایی این ترکیب در چارچوب زبان فارسی ضروری است. در زبان فارسی، ترکیب‌های اسمی به‌طور معمول به دو صورت وصفی و اضافی تحلیل می‌شود (رشیدی، ۱۳۹۸؛ صفوی، ۱۳۹۲). هر یک از این ساختارها، معنای متفاوتی از ترکیب «حکمرانی تربیتی» ارائه می‌دهند:

1. Goertz

2. Conceptual Blending Theory

3. Fauconnier & Turner

۱.۱. معنای وصفی: «حکمرانی دارای صفت تربیتی»: در این تعبیر، واژه «تربیتی» نقش صفت را برای اسم «حکمرانی» ایفا می‌کند و ماهیت آن را مشخص می‌سازد. این ساختار معادل ترکیب‌هایی مانند «کتاب مفید» یا «نظام سالم» است، که در آن واژه دوم ویژگی یا صفت واژه اول را بیان می‌کند؛ بنابراین «حکمرانی تربیتی» به معنای حکمرانی‌ای است که در ماهیت و غایت خود، تربیتی است؛ یعنی ساختار، کارکرد و اهداف آن با مبانی و ارزش‌های تربیت هماهنگ است (صفوی، ۱۳۹۲: ۸۵).

۲.۱. معنای اضافی: «حکمرانی مربوط به امر تربیت»: در این ساختار، واژه «تربیتی» نقش مضاف‌الیه دارد و حوزه اعمال حکمرانی را نشان می‌دهد. این ترکیب همانند «مدیریت پروژه» یا «سیاست اقتصادی»، بیانگر حوزه‌ای خاص از یک فعالیت کلان است (رشیدی، ۱۳۹۸)؛ لذا «حکمرانی تربیتی» به نظام تصمیم‌گیری، تنظیم‌گری و راهبری در حوزه نظام تعلیم و تربیت اشاره دارد.

تحلیل تمایز میان این دو خوانش، نشان‌دهنده ظرفیت‌های معنایی گوناگون ترکیب‌های اسمی در زبان فارسی است. این تمایز، در ترجمه، فهم متون تخصصی و استخراج مفاهیم کلیدی نقش مهمی ایفا می‌کند (قمشه‌ای، ۲۰۰۳؛ کریمی، ۲۰۰۵).

تحلیل زبان‌شناختی ترکیب «حکمرانی تربیتی» نشان می‌دهد که این ترکیب می‌تواند هم به ماهیت تربیتی حکمرانی (خوانش وصفی) و هم به اعمال حکمرانی در حوزه تربیت (خوانش اضافی) اشاره داشته باشد. این دو معنا، هر دو برای فهم ابعاد نظری و عملی مفهوم حکمرانی تربیتی اهمیت دارند. از این‌رو، در تولید ادبیات علمی دقیق در حوزه حکمرانی تربیتی، ضروری است که این تمایز زبانی به درستی درک و به کار گرفته شود (بی‌یستا^۱، ۲۰۱۰؛ رزوی و لینگارد^۲، ۲۰۱۰).

۲. پردازش مفهوم «حکمرانی تربیتی» در پرتو فلسفه‌های مضاف

پردازش مفهوم «حکمرانی تربیتی» در پرتو فلسفه‌های مضاف به عنوان یک رهیافت موجه، قابل طرح است. از دیدگاه رویکرد فلسفه‌های مضاف، که بر استخراج مفاهیم از مبانی فلسفی و تلفیق آن‌ها با علوم انسانی تأکید دارند (صدر، ۱۴۰۲)، ترکیب «تربیت» و «حکمرانی» به عنوان یک رویکرد بومی و ارزش‌محور، قابل تولید و تبیین است. این رویکرد، در سطوح فلسفی و فلسفه علمی خود، امکان پاسخ‌گویی به پرسش‌های چیستی، امکان، روش و غایت مفهوم «حکمرانی تربیتی» را نیز در یک ساختار معرفتی منسجم فراهم می‌آورد (نقیب‌زاده، ۱۳۹۶) که در گام‌های تفصیلی و پژوهش‌های آینده قابل پی‌جویی است. رویکرد «فلسفه‌های مضاف» در سال‌های اخیر به عنوان الگوی میان‌رشته‌ای،

جایگاه مهمی در پژوهش‌های نظری یافته است. این رویکرد، برخلاف فلسفه اولی که ناظر به هستی‌شناسی کلی و مستقل از موضوعات خاص است، معطوف به تحلیل مفهومی، غایت‌شناختی، و معرفت‌شناختی مفاهیم در قلمروهای مشخصی چون تربیت، علم، سیاست یا حقوق است. در این چارچوب، فلسفه به مثابه دستگاہی نظری و تحلیلی، در نسبت با یک موضوع مضاف‌الیه فعال می‌شود و با آن وارد گفت‌وگو می‌شود. ساختار دوگانه فلسفه‌های مضاف، شامل «فلسفه» به عنوان عنصر پایه، و «موضوع» به عنوان مضاف‌الیه، نوعی ترکیب مفهومی را سامان می‌دهد که با بهره‌گیری از ظرفیت‌های تحلیل فلسفی، به بازسازی و بسط مفهومی آن حوزه می‌پردازد (مصباح یزدی، ۱۳۸۶؛ دینانی، ۱۳۹۴). از حیث ساختاری، میان الگوی فلسفه‌های مضاف و مفهوم «حکمرانی مضاف» سنخیت و شباهت وجود دارد و حکمرانی مضاف، مانند حکمرانی اقتصادی، حکمرانی فناوری یا حکمرانی تربیتی، می‌تواند بر همین سیاق و منطق، سوار و استوار شود. در این رویکرد، مفهوم بنیادین حکمرانی به مثابه یک نظام دارای کارکردهایی مانند سیاست‌گذاری، تنظیم‌گری، تصدی‌گری و امثال آن، در پیوند با حوزه‌ای موضوعی، گسترش یافته و تعریف می‌شود (کویمن^۱، ۲۰۰۳؛ پیترز^۲، ۲۰۱۵). از این دیدگاه، «حکمرانی تربیتی» را می‌توان مصداقی از حکمرانی مضاف دانست؛ الگویی که در آن کارکردهای حکمرانی در نسبت با اهداف، سازوکارها و هنجارهای تربیت معنا می‌یابند و سامان مفهوم جدیدی پدید می‌آورند. این ترکیب، واجد ظرفیت‌های تحلیلی مشابهی با فلسفه‌های مضاف است: در هر دو، یک چارچوب کلان نظری با یک قلمرو خاص تلفیق می‌شود تا مفهوم و حوزه‌ای نوظهور شکل گیرد.

بر همین اساس، حکمرانی تربیتی نه تنها متکی به کارکردهای کلان حکمرانی همچون سیاست‌گذاری و تنظیم‌گری است، بلکه با بهره‌گیری از تحلیل‌های هنجاری و غایت‌مدارانه، غایات انسانی و اجتماعی تربیت را نیز در دل ساختار حکمرانی جانمایی می‌کند (کارن^۳، ۲۰۱۷). این درهم‌تنیدگی نظری و عملی، قرابت قابل توجهی با فلسفه تربیت در مقام یکی از فلسفه‌های مضاف دارد. به عبارت دیگر، همان‌گونه که فلسفه تربیت، ساحت‌های معرفتی و بنیادین تربیت را واکاوی و تبیین می‌کند، حکمرانی تربیتی (آنگاه که به مثابه حوزه نظری مد نظر است). نیز با پیوند میان مفاهیم

-
1. Kooiman
 2. Peters
 3. Curren

تربیتی و حکمرانی، به ایجاد چارچوبی نظری برای امر حکمرانی تربیتی در راستای غایات فرهنگی و اجتماعی مدنظر می‌انجامد (رزوی و لینگارد، ۲۰۱۰).

سرانجام، شباهت ساختاری و معرفتی میان فلسفه مضاف و حکمرانی مضاف، نشان می‌دهد که حکمرانی تربیتی می‌تواند معنای محصل از فرایند تلفیق مفهومی هدف‌مند باشد؛ فرایندی که تلاش می‌کند با پیوند اصول نظری حکمرانی با جهتگیری‌ها و روش‌های تربیتی، چارچوبی جامع ارائه کند (وانگ، ژانگ و چن^۱، ۲۰۲۴).

۳. پردازش مفهوم «حکمرانی تربیتی» در پرتو کاربرد مصطلح آن در اسناد بین‌المللی

مفهوم حکمرانی تربیتی در پرتو کاربرد مصطلح آن در اسناد بین‌المللی نیز درخور بررسی است. ترکیب مفاهیم «حکمرانی»^۲ و «تربیت»^۳ در اسناد بین‌المللی با اصطلاحات گوناگونی بیان شده است که در نگاه اول تفاوت چندانی با هم ندارند، اما در واقع هر کدام تأکید خاصی بر جنبه‌ای از ماهیت یا فرایند حکمرانی دارند. چهار عنوان ذیل، پرکاربردترین مفاهیم در این زمینه است:

۱.۳. حکمرانی آموزشی^۴: این اصطلاح به ساختارها، فرایندها و نهادهایی اشاره می‌کند که از سوی سطوح گوناگون حکومت برای تصمیم‌گیری، نظارت و اجرای سیاست‌های آموزشی به‌کار گرفته می‌شود. تمرکز اصلی آن بر هماهنگی میان سطوح حکومتی (ملی، ایالتی، محلی) و نقش‌آفرینی ذی‌نفعان گوناگون (خانواده‌ها، مدارس، جامعه مدنی) است. به‌عنوان مثال در امریکا، تعامل میان وزارت آموزش، هیئت‌های مدارس محلی و نهادهای نظارتی در این دسته قرار می‌گیرد. به‌عنوان کاربرد این اصطلاح به‌طور مثال برنز و کوستر^۵ (۲۰۱۶) معتقد هستند «حکمرانی آموزشی» در دنیای امروز نیازمند رویکردی شبکه‌ای و انطباق‌پذیر با محیط پیچیده اجتماعی است.

۲.۳. حکمرانی بر آموزش^۶: این مفهوم بیشتر جنبه ساختاری و قانونی دارد و به چارچوب‌های نهادی، قوانین، استانداردها و سازوکارهای پاسخ‌گویی در سطح کلان اشاره می‌کند. در این دیدگاه، فرایندهای حکمرانی شامل پنج بعد تحلیلی است: تعریف مسائل، هنجارهای اجتماعی، بازیگران، نقاط گرهی و فرایندهای تعاملی. به‌عنوان نمونه‌ای از کاربرد این اصطلاح که در گزارش یونسکو

1. Wang, Zhang & Chen

2. Governance

3. Education

4. Educational Governance

5. Burns T, Köster F

6. Governance of Education

(۲۰۲۳) آمده است: سیاست‌های آموزشی عادلانه و تضمین کیفیت فراگیر نمونه‌ای از مداخلات کلان‌نگر در «حکمرانی بر آموزش» است.

۳.۳. حکمرانی در آموزش^۱: این اصطلاح بر شیوه‌های اجرایی و مدیریتی سیاست‌ها در درون نهادهای آموزشی تمرکز دارد. به عنوان مثال، مدیریت منابع، ارزیابی عملکرد معلمان و شیوه‌های مشارکت دانش‌آموزان در مدارس از موضوعات اصلی در این دسته است. برنز و کوستر (۲۰۱۶) بر این باورند که موفقیت «حکمرانی در آموزش» مستلزم توانمندسازی مدیران و معلمان برای اجرای اثربخش سیاست‌ها در سطوح پایین‌تر است.

۴.۳. حکمرانی آموزش^۲: این عنوان مفهومی فراگیرتر دارد و به مجموعه‌ای از سیاست‌ها، مقررات و ساختارهای تصمیم‌گیری اشاره می‌کند که تعامل میان ذی‌نفعان گوناگون نظام آموزشی را سازماندهی می‌کنند. تفاوت اصلی آن با حکمرانی آموزشی، تأکید بیشتر بر شبکه‌های چندذی‌نفعی و فرایندهای بین‌بخشی است تا ساختار سلسله‌مراتبی.

جدول ۱. مقایسه چهار مفهوم رایج معادل حکمرانی تربیتی

مفهوم	محل تمرکز	ذی‌نفعان اصلی	مثال از منابع بین‌المللی
حکمرانی آموزشی (Educational Governance)	سطوح و هماهنگی میان نهادهای حکومتی (ملی، ایالتی، محلی)	دولت، نهادهای نظارتی، خانواده‌ها، مدارس، جامعه مدنی	گزارش OECD درباره سیاست‌های آموزشی (OECD, 2019)
حکمرانی بر آموزش (Governance of Education)	چارچوب‌های نهادی، قانونی و کلان نظام آموزشی	قانون‌گذاران، سازمان‌های بین‌المللی	دستورالعمل‌های یونسکو (UNESCO, 2023)
حکمرانی در آموزش (Governance in Education)	محیط‌های عملیاتی و مدیریتی درون نهادهای آموزشی	مدیران مدارس، معلمان، دانش‌آموزان	برنامه‌های آموزش معلمان در فنلاند (برنز و کوستر، ۲۰۱۶)
حکمرانی آموزش (Education Governance)	شبکه‌های چندذی‌نفعی و فرآیندهای بین‌بخشی	جامعه مدنی، بخش خصوصی، خانواده‌ها، بازار کار	مشارکت شرکت‌ها در آموزش فنی حرفه‌ای (European Commission, 2017)

(محقق ساخته)

1. Governance in Education
2. Education Governance

دستنامه^۱ یونسکو (۲۰۲۳) به مفهوم «حکمرانی بر آموزش» به عنوان «چارچوبی برای تضمین برابری و کیفیت» پرداخته است و نقش استانداردهای جهانی را برجسته می‌سازد. دستورالعمل OECD (۲۰۱۹)، به مفهوم «حکمرانی آموزشی» پرداخته است و آن را سازوکارهایی برای پاسخگویی مالی و اداری می‌داند. چارچوب اتحادیه اروپا، مفهوم «حکمرانی آموزش» را به عنوان تعامل بین مدارس، خانواده و بازار کار توصیف می‌کند. سرانجام می‌توان گفت «حکمرانی بر آموزش» و «حکمرانی آموزشی» بیشتر به سیاست‌گذاری کلان مرتبط. «حکمرانی در آموزش» بر اجرا و مدیریت عملیاتی تمرکز می‌کند و «حکمرانی آموزش» تعبیری جامع تر است که همه سطوح و همه ذی‌نفعان را پوشش می‌دهد.

این توضیح نشان می‌دهد که تمام موارد استفاده اسناد بین‌المللی از این مفهوم، ذیل تعریف مختار این پژوهش از حکمرانی می‌گنجد و تعریف، شامل تمام کاربردهای رسمی آن است.

نظریه ترکیب مفهومی؛ چارچوبی برای ساخت ترکیب «حکمرانی تربیت»

نظریه ترکیب مفهومی^۲ فوکونیه و ترنر^۳ (۲۰۰۲) استدلال می‌کند که چگونه دو مفهوم در دو فضای ذهنی^۴ با ساختارهای ظاهراً متفاوت، می‌تواند در چارچوبی یکپارچه هم‌افزایی ایجاد کنند. این نظریه، با تأکید بر ایجاد فضای ترکیبی^۵، امکان ادغام ویژگی‌های ساختاری حکمرانی (مانند سیاست‌گذاری و تنظیم‌گری) با ویژگی‌های هویتی تربیت (مانند شکوفایی فطرت و تعالی هویت) را فراهم می‌کند. در جدول شماره ۲، این سه تعبیر از مفهوم «حکمرانی تربیتی» به‌طور خلاصه گزارش شده است.

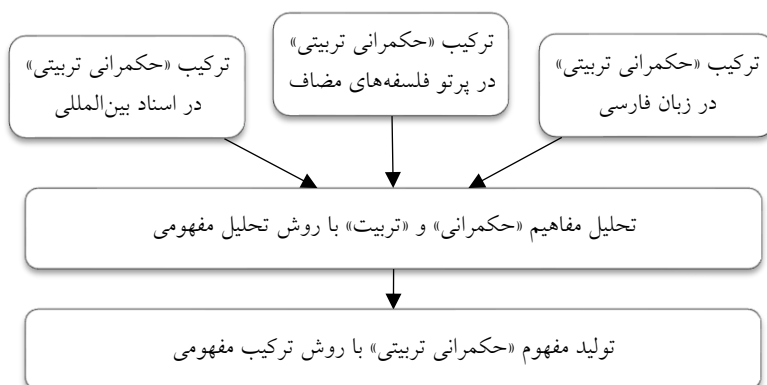
-
1. Handbook
 2. Conceptual Blending Theory
 3. Fauconnier & Turner
 4. Mental Spaces
 5. Blended Space

جدول ۲. سه تعبیر از مفهوم حکمرانی تربیتی

قلمرو	محور اصلی	ویژگی‌ها و تمرکز
زبان‌شناختی	تحلیل نحوی و معنایی ترکیب «حکمرانی تربیتی» در فارسی	- خوانش وصفی: حکمرانی‌ای با ماهیت و صفت تربیتی (تربیت به‌عنوان کیفیت درونی حکمرانی) - خوانش اضافی: حکمرانی در حوزه تربیت (تربیت به‌عنوان مضاف‌الیه و موضوع حکمرانی)
فلسفه‌های مضاف	پردازش مفهومی در چارچوب فلسفه‌های مضاف	- به‌مثابه حکمرانی مضاف مشابه حکمرانی اقتصادی - پیوند کارکردهای حکمرانی با ارزش‌ها و اهداف تربیتی
کاربرد در اسناد بین‌المللی	معادل‌های اصطلاحی در ادبیات جهانی	- حکمرانی آموزشی: هماهنگی میان سطوح حکومتی - حکمرانی بر آموزش: چارچوب نهادی و قانونی کلان - حکمرانی در آموزش: مدیریت اجرایی و عملیاتی در مدارس و نهادها - حکمرانی آموزش: شبکه‌های چندذی‌نفعی و میان‌بخشی

(محقق ساخته)

بر اساس جدول، تعبیر «حکمرانی تربیتی» سه لایه تفسیری دارد: نخست در سطح زبان‌شناختی که بر تمایز میان معنای وصفی (حکمرانی با ماهیت تربیتی) و معنای اضافی (حکمرانی در حوزه تربیت) تکیه دارد؛ دوم در سطح فلسفه‌های مضاف که این مفهوم را مشابه الگوی حکمرانی مضاف تبیین می‌کند و آن را تلفیقی از کارکردهای حکمرانی و ارزش‌های تربیتی می‌داند؛ سوم در سطح کاربرد بین‌المللی که آن را در قالب چهار اصطلاح اصلی بازتاب می‌دهد و هر یک را بر جنبه‌ای خاص (سیاست‌گذاری کلان، ساختارهای قانونی، اجرا و مدیریت عملیاتی، شبکه‌های چندذی‌نفعی) متمرکز می‌سازد.



شکل ۱. الگوی مفهومی چهارچوب نظری پژوهش

روش‌شناسی پژوهش

رویکرد این پژوهش تفسیری - کیفی^۱ است؛ زیرا هدف آن، تحلیل عمیق و تبیین معنایی مفاهیم برای ساخت مفهومی جدید در حوزه علوم انسانی (تربیت) است. از نظر هدف، این پژوهش کاربردی - توسعه‌ای به‌شمار می‌آید و به‌دنبال تولید ابزار مفهومی برای سیاست‌گذاری در نظام آموزش و پرورش است. ماهیت داده‌ها در این پژوهش متنی، کیفی و مفهومی - نظری است. داده‌ها شامل متون پایه، تعاریف و نظریه‌های محوری در دو حوزه «حکمرانی» و «تربیت» است که به‌عنوان مبانی نظری برای ترکیب مفهومی مورد استفاده قرار گرفته است (مانند سند تحول بنیادین آموزش و پرورش برای تربیت و تعاریف محوری حکمرانی برای حکمرانی). نوع پژوهش از لحاظ رویکرد، مطالعات مفهومی نظری با محوریت توسعه مفهومی است. فرایند تولید مفهوم «حکمرانی تربیت» بر اساس دو مرحله کلیدی و مرتبط به هم انجام شد.

۱. تحلیل مفهومی مفاهیم پایه

در گام اول، به‌منظور درک دقیق ابعاد معنایی و کارکردی مفاهیم «حکمرانی» و «تربیت»، از رویکرد تحلیل مفهومی ساختارمند استفاده شد. در این مرحله، چهارچوب نظام‌مند واکر و آوانت^۲ (۲۰۱۱) مبنا قرار گرفت تا مؤلفه‌های کلیدی هر دو مفهوم پایه، به‌صورت جداگانه استخراج، و با یکدیگر مقایسه شود. این تحلیل مقایسه‌ای، زمینه‌ای دقیق برای مرحله ترکیب نظری فراهم کرد.

1. Interpretive-Qualitative Paradigm
2. Walker & Avant

در این مسیر، مؤلفه‌های کلیدی تربیت (غایت، فرایند، ابزارها و نقش‌ها) و حکمرانی (قلمرو، بازیگران، فرایندها، غایت، اقتدار و ارزش‌ها) با تکیه بر منابع معتبر (مانند تعریف سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰) برای «تربیت» و تعریف پیشنهادی عالی و همکاران (۱۴۰۳) برای «حکمرانی») شناسایی شد. این تمایز در ابعاد، تضمین کرد که فرایند ترکیب نظری، تنها جمع جبری تعاریف نباشد.

۲. ترکیب مفهومی و تولید تعریف نوین

در گام دوم، فرایند اصلی تولید مفهوم «حکمرانی تربیت» از راه ترکیب نظری انجام شد. برای این منظور، از الگوی شناخته‌شده ترکیب مفهومی فوکونیه و ترنر^۱ (۲۰۰۲) استفاده شد. این الگو که فراتر از استعاره یا قیاس صرف است، امکان می‌دهد تا اجزای دو فضای ذهنی مجزا (حکمرانی و تربیت)، به یکدیگر نگاشته شود و در فضای درآمیخته^۲، مفهوم نوین با ویژگی‌های بدیع^۳ پدید آید.

- فضای پایه اول: حکمرانی

- فضای پایه دوم: تربیت

- فضای عام^۴: قلمرویی مشترک مانند «سازماندهی تعاملات بین بازیگران»

- فضای درآمیخته^۵: مفهوم «حکمرانی تربیتی»

با استفاده از این الگو و تمرکز بر هم‌پوشانی‌های مفهومی میان مؤلفه‌ها (به‌ویژه غایت، فرایند و اقتدار)، تعریف جامع و چهاربعدی (غایت، فرایند، بازیگران و مشروعیت) از حکمرانی تربیتی پیشنهاد شد. این تعریف نه تنها ویژگی‌های هر دو مفهوم را در بر دارد، بلکه با تأکید بر چارچوب نظام معیار اسلامی، جنبه‌های ارزشی و فرهنگی خاص نظام تربیتی ایران را نیز در ساختار خود منعکس می‌سازد.

برای این منظور، در گام اول، تعریف مختار «تربیت» و در گام دوم، تعریف مختار «حکمرانی» تحلیل مفهومی می‌شود؛ سپس گام‌های ترکیب دو مفهوم در گام‌های سوم تا پنجم تا تولید تعریف «حکمرانی تربیت» و تحلیل ابعاد آن اجرا شده است.

-
1. Fauconnier & Turner
 2. Blended Space
 3. Emergent Structure
 4. Generic Space
 5. Blended Space

تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

تعریف مختار تربیت، مطابق با تعریف سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰) است. این تعریف دستاورد فرایند حداقل پنج‌ساله در فرایند تدوین مبانی نظری سند است و پس از اعتبارسنجی نزد صاحب‌نظران به تصویب شورای عالی آموزش و پرورش و شورای عالی انقلاب فرهنگی رسیده، و منتشر شده است.

در گام اول و برای استخراج مؤلفه‌های مفهومی «تربیت» بر مبنای تعریف تفصیلی تربیت از سند تحول بنیادین و با تحلیل این تعریف و دسته‌بندی اجزای معنایی آن، مؤلفه‌ها در چهار دسته کلی تنظیم شد.

۱. غایت و جهت‌گیری تربیت

جدول ۳. غایت و جهت‌گیری تربیت

مؤلفه	شرح
حیات طیبه	غایت نهایی تربیت، دستیابی به مراتب حیات طیبه است.
قرب الی‌الله	رشد در مسیر الهی، مقصد نهایی فرایند تربیت است.
هدایت آگاهانه و اختیاری	تربیت باید متکی بر اختیار، آگاهی و انتخاب آزاد متری باشد.
شایستگی برای درک و بهبود موقعیت فردی و اجتماعی	یکی از اهداف میانی تربیت، توانمندسازی متری در تحلیل و ارتقای وضعیت خودش و جامعه است.

(محقق ساخته)

۲. فرایند تربیت (ویژگی‌ها و ماهیت)

جدول ۴. فرایند تربیت

مؤلفه	شرح
تعاملی‌بودن	فرایند دوسویه بین مربی و متری
پیوستگی و تداوم	تربیت جریان مستمر است، نه مقطعی
یکپارچگی	تربیت باید در همه ابعاد و به‌صورت منسجم انجام شود.
مبتنی بر نظام معیار اسلامی	چارچوب مرجع و ارزش‌سنج تربیت، نظام معیار اسلامی است.

(محقق ساخته)

۳. ابزارها و تدابیر تربیتی

جدول ۵. ابزارها و تدابیر تربیت

شرح	مؤلفه
محیط به عنوان بستری برای تربیت باید بهبود یابد.	اصلاح شرایط محیطی
مراقبت عاطفی و رفتاری بخشی از اقدامات تربیتی است.	پرستاری، مراقبت و تأدیب
از ابزارهای اصلی انتقال ارزش ها و رشد شناختی	تعلیم، تذکر، موعظه، گفت و گو
تدابیر تربیتی متناسب با وضعیت مربی و هدف تربیت	هشدار، توجه، ابتلا، پاداش و مجازات
اصل اقتضا در انتخاب شیوه های تربیتی	تناسب تدابیر با ویژگی های متربیان و نوع تربیت

(محقق ساخته)

۴. نقش مربی و مربی

جدول ۶. نقش مربی و مربی

شرح	مؤلفه
نقش فعال و مبتکر مربی در راهبری فرایند	طراحی و اقدام هدفمند مربی
مربی صرفاً گیرنده نیست، بلکه در تربیت خود نقش ایفا می کند.	حضور فعال مربی در فرایند
خروجی تربیت، رشد توانایی های شخصیتی و اجتماعی مربی است.	به دست آوردن شایستگی ها توسط مربی

(محقق ساخته)

در گام دوم و برای استخراج مؤلفه های مفهومی «حکمرانی» تعریف مختار حکمرانی از مقاله عالی و همکاران (۱۴۰۳) انتخاب شده است. این تعریف دستاورد پژوهشی نظام مند با رویکرد کیفی و روش فراترکیب است. این پژوهش با هدف ارائه تعریفی عام و جامع از حکمرانی، پس از تحلیل ۲۱۸ منبع منتخب داخلی و خارجی، ابعاد گوناگون این مفهوم از جمله شیوه ها، کنشگران، کارکردها، هدف، قلمرو، سبک و ارزش ها را شناسایی کرده، و بر مبنای آن تعریفی ساختاریافته از حکمرانی ارائه کرده است. این تعریف، با اتکا به عناصر استخراج شده، حکمرانی را «فرایند راهبری تعامل نظام مند کنشگران حکومتی و غیر حکومتی در سطوح گوناگون، از طریق سیاست گذاری و تنظیم گری، برای تحقق اهداف جمعی در چارچوب ارزش های آن قلمرو» می داند. روشمندی دقیق، حجم زیاد داده و سطح مطلوب اعتبار تحلیل (ضریب کاپا = ۰.۸۹) این پژوهش را به منبع اختیار تعریف مفهومی حکمرانی تبدیل کرده، و دلیل انتخاب آن در این مطالعه است. با تحلیل این تعریف، مؤلفه های کلیدی حکمرانی در شش محور ذیل طبقه بندی شده است.

۱. قلمرو و سطح حکمرانی

جدول ۷. قلمرو و سطح حکمرانی

مؤلفه	شرح
قلمرو موضوعی	حکمرانی همیشه در یک «قلمرو مشخص» معنا دارد (مثلاً آموزش، سلامت، فناوری)
سطوح حکمرانی	حکمرانی می‌تواند در سه سطح فراملی، ملی و فروملی اتفاق بیفتد.

(محقق ساخته)

۲. بازیگران حکمرانی

جدول ۸. بازیگران حکمرانی

مؤلفه	شرح
دولتی و غیر دولتی	حکمرانی مبتنی بر مشارکت بازیگران متکثر است (دولت، نهادهای مدنی، بخش خصوصی)
تعامل نظام‌مند	ارتباط بین بازیگران باید ساختاریافته و هدفمند باشد (نه پراکنده و مقطعی).

(محقق ساخته)

۳. فرایندهای اصلی حکمرانی

جدول ۹. فرایندهای اصلی حکمرانی

مؤلفه	شرح
سیاست‌گذاری	تصمیم‌سازی در سطح کلان و راهبردی برای قلمروی مربوط
تنظیم‌گری	تعیین چارچوب‌ها، قواعد، هنجارها و نظارت بر اجرای سیاست‌ها
بازتوزیع منابع	تنظیم دسترسی به منابع و ایجاد تعادل میان ذی‌نفعان گوناگون برای تحقق عدالت (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی)

(محقق ساخته)

۴. غایت حکمرانی

جدول ۱۰. غایت حکمرانی

مؤلفه	شرح
ارائه خدمات عمومی	تسهیل‌گری و رفع نیازهای مشترک جامعه هدف در آن قلمرو خاص
تحقق اهداف جمعی	حرکت هماهنگ همه بازیگران به سمت ارزش‌ها و منافع مشترک و عمومی

(محقق ساخته)

۵. مبنای اقتدار

جدول ۱۱. مبنای اقتدار

مؤلفه	شرح
اقتدار مشروع	اعمال قدرت بر پایه مشروعیت حقوقی، اخلاقی، دینی یا عرفی
پذیرش اجتماعی اقتدار	اقتدار باید نزد مخاطبان و بازیگران پذیرفته شده و معتبر باشد.

(محقق ساخته)

۶. چارچوب ارزشی حکمرانی

جدول ۱۲. چهارچوب ارزشی حکمرانی

مؤلفه	شرح
آرمان‌ها و ارزش‌های بنیادین	حکمرانی در خلأ ارزشی اتفاق نمی‌افتد؛ باید منطبق با ارزش‌های قلمرو باشد (مانند عدالت، آزادی، معنویت در حکمرانی اسلامی).
تناسب با فرهنگ و هویت	چارچوب‌های ارزشی باید با بافت فرهنگی، تاریخی و دینی جامعه همخوان باشد.

(محقق ساخته)

در گام سوم، با مقایسه تطبیقی مؤلفه‌های تربیت و حکمرانی، بستر نظری لازم برای ترکیب مفهومی فراهم شده است. این مرحله، نقش مهمی در آمادگی برای ترکیب مفهومی دارد و نشان می‌دهد چگونه دو قلمرو ظاهراً مستقل می‌توانند در لایه‌هایی از معنا، با یکدیگر هم‌افق شوند. دستاورد این گام، در جدول شماره ۱۳ ارائه شده است.

جدول ۱۳. مقایسه محورهای تحلیل مفهومی «تربیت» و «حکمرانی»

محور	حکمرانی	تربیت	هم‌پوشانی
فرایند محوری و تعاملی	حکمرانی، هدایت تعاملات نظام‌مند میان بازیگران است.	تربیت، فرایند تعاملی بین مربی و متربی است.	هر دو بر «فرایند تعاملی» و غیر یک‌سویه تأکید می‌کنند.
بازیگران چندگانه و مسئولیت‌پذیر	حضور دولت، جامعه مدنی، بخش خصوصی	حضور فعال مربیان، متربیان و نهادهای مؤثر	بازیگران چندگانه با نقش فعال و مشارکتی در هر دو دیده می‌شود.
جهت‌گیری ارزشی و غایت‌مدار	تحقق اهداف جمعی در چارچوب آرمان‌های قلمرو	جهت‌گیری به‌سوی قرب الی‌الله و حیات طیبه	هر دو به اهداف متعالی و ارزش‌مدار تکیه دارند، اما در تربیت این غایت معنوی‌تر است.
پیوستگی و یکپارچگی	حکمرانی در قالب تعاملات ساختاریافته و پایدار	فرایند پیوسته و هماهنگ در ابعاد گوناگون انسانی	تأکید بر استمرار، انسجام و ساختارمندبودن فعالیت‌ها در هر دو مشترک است.
تنظیم‌گری و سیاست‌گذاری	سیاست‌گذاری و تنظیم روابط، وظیفه اصلی حکمرانی است.	مربی با تدابیر هدفمند تربیتی، شرایط را مدیریت می‌کند.	نقش هدایتی و تنظیم‌گر (با تفاوت در سطح و ابزار) در هر دو دیده می‌شود.
اقتدار و مشروعیت	اعمال اقتدار مشروع، هسته حکمرانی است.	اقتدار تربیتی باید در چارچوب ارزش‌های اسلامی باشد.	مشروعیت به‌عنوان شرط مقبولیت و اثربخشی، در هر دو کلیدی است.
چارچوب مرجع ارزشی	آرمان‌ها و ارزش‌های حاکم بر قلمرو، چارچوب عمل حکمرانی است.	نظام معیار اسلامی، مبنای عمل تربیتی است.	ارزش‌محوری و چارچوب‌بندی ارزشی، عنصر مشترک هر دو حوزه است.

(محقق ساخته)

نتیجه تحلیلی گام سوم آن است که با وجود تفاوت در ساحت‌ها، «تربیت» و «حکمرانی» در هفت محور کلیدی، دارای تشابه و سنخیت مفهومی و کارکردی‌اند که این هم‌پوشانی‌ها، بستر نظری ترکیب دو مفهوم را به‌صورت معنادار فراهم می‌کنند.

در گام چهارم و در فرایند ترکیب مفهومی، با بهره‌گیری از هم‌پوشانی‌های تحلیل‌شده، دو مفهوم «حکمرانی» و «تربیت» به شکلی منسجم، معنادار و نظام‌مند با یکدیگر ترکیب می‌شود. خروجی این مرحله، تعریف اولیه و مستدلی از مفهوم حکمرانی تربیت است. ترکیب مفهومی دو این مفهوم، به خلق مفهوم سومی منجر می‌شود که هم‌زمان ویژگی‌های ساختاری و نهادی حکمرانی

(سیاست‌گذاری، تنظیم، تعاملات چندبازیگرانه، اقتدار مشروع، ارزش محوری و...) و نیز خصایص هویتی و درونی تربیت (تکوین هویت، شکوفایی فطرت، مشارکت آگاهانه، نظام معیار اسلامی و...) را در خود جای داده، و به‌صورت چارچوب یکپارچه مفهومی قابل استفاده است.

ساختار مفهومی به‌دست آمده

جدول ۱۴. ساختار مفهومی واحد مرکب از دو مفهوم حکمرانی و تربیت

مؤلفه مشترک	صورت ترکیب در حکمرانی تربیتی
تعاملات نظام‌مند	هدایت تعاملات منسجم نهادهای تربیتی رسمی و غیررسمی (خانواده، مدرسه، رسانه، نهادهای دینی و...)
بازیگران متکثر	دولت، خانواده، جامعه مدنی، مربیان و متریان
سیاست‌گذاری و تنظیم	طراحی و تنظیم سیاست‌های تربیتی برای هدایت رشد متریان در راستای اهداف اسلامی
غایت ارزش‌مدار	تعالی مستمر هویت متریان، در جهت قرب الی‌الله و تحقق حیات طیبه
اقتدار مشروع	اقتدار نظام تربیتی بر پایه مشروعیت دینی و مقبولیت اجتماعی
چارچوب مرجع	نظام معیار اسلامی (مجموعه مبانی، ارزش‌ها، و هنجارهای اسلامی در تربیت و حکمرانی)

(محقق ساخته)

ویرایش ضروری نحوی – معنایی (حذف «ی نسبت»)

با تحلیل زبانشناختی برای ترکیب «حکمرانی تربیتی» در زبان فارسی، به‌طور جداگانه دو خوانش وصفی (حکمرانی‌ای با ماهیت و صفت تربیتی؛ تربیت به‌عنوان کیفیت درونی حکمرانی) و خوانش اضافی (حکمرانی در حوزه تربیت؛ تربیت به‌عنوان مضاف‌الیه و موضوع حکمرانی) اشاره شد.^۱ یادآوری این نکته ضروری است که پسوند «ی نسبت» در زبان فارسی برای ساختن صفت از اسم به‌کار می‌رود و بیشتر معنای «وابسته به» یا «منسوب به» را می‌رساند (انوری و احمدی‌گیوی، ۱۳۸۷)؛ بنابراین در «حکمرانی تربیتی»، «تربیتی» صفت است که با پسوند «ی نسبت» از اسم «تربیت» ساخته شده است و نقش وابسته پسین وصفی برای «حکمرانی» دارد، اما در «حکمرانی تربیت»، «تربیت»

۱. گرچه استفاده از ترکیب‌هایی از این دست، به‌عنوان غلط مصطلح رایج است، مانند سیاست‌گذاری تربیتی (که مراد، سیاست‌گذاری در موضوع تربیت است و نه سیاست‌گذاری مَصف به صفت تربیتی). اما اکنون که در مرحله تأسیس و تکوین حکمرانی تربیت به‌مثابه حوزه مطالعاتی قرار داریم، التفاف به صحت ویرایش و دقت نگارش، موجه و بلکه ضروری است.

به صورت «اسم» باقی می ماند و با «حکمرانی» رابطه «اضافه» برقرار می کند؛ بنابراین حذف ی نسبت از ترکیب «حکمرانی تربیتی» و تبدیل آن به تعبیر «حکمرانی تربیت» که ویرایشی نحوی - معنایی است، سبب جابه جایی نوع وابستگی می شود. این تغییر که در ترکیب «حکمرانی تربیتی» پسوند ی نسبت، حذف شده است و به صورت «حکمرانی تربیت» نوشته شود، تبدیل ساخت واژی به نحوی ۱ به شمار می رود و نتیجه اش این است که سبب کنار گذاشتن گزینه خوانش وصفی در اذهان می شود و معنای مختار را بدون کژتابی و انحراف ذهنی، در خوانش اضافی از این تعبیر، منحصر می کند. به این صورت که «حکمرانی تربیت» حکمرانی ای است که در آن تربیت، موضوع حکمرانی است و اینکه وصف آن باشد، به ذهن متبادر نمی شود.

اکنون تعریف به دست آمده از مفهوم «حکمرانی تربیت» ارائه و شرح داده می شود: «حکمرانی تربیت»، فرایند هدایت نظام مند تعاملات میان بازیگران دولتی و غیر دولتی در قلمرو تربیت است، که از طریق سیاست گذاری، تنظیم گری و اعمال اقتدار مشروع در چارچوب نظام معیار اسلامی، زمینه تکوین و تعالی پیوسته هویت متریان را فراهم می آورد، به گونه ای که آنان به صورت آگاهانه و اختیاری شایستگی های لازم برای تحقق مراتب حیات طیبه را در همه ابعاد وجودی به دست آورند.

توضیح تعابیر اصلی تعریف حکمرانی تربیت

- فرایند هدایت نظام مند: همان ساختار اصلی حکمرانی
 - تعاملات میان بازیگران تربیتی: ساختار مشارکتی تربیت و حکمرانی
 - سیاست گذاری و تنظیم گری: ابزارهای عملی حکمرانی برای هدایت تربیت
 - نظام معیار اسلامی: چارچوب ارزشی مشترک
 - هویت متریان و حیات طیبه: غایت تربیتی تلفیق شده با غایت جمعی حکمرانی
- در گام پنجم و مرحله ساخت چهارچوب مفهومی حکمرانی تربیت با هدف تعیین ابعاد، مؤلفه ها و ارتباطات درونی مفهوم «حکمرانی تربیت» برای تبدیل آن به چارچوب تحلیلی قابل استفاده در پژوهش ها، سیاست گذاری ها و طراحی های تربیتی انجام می شود، چارچوب مفهومی برای حکمرانی تربیت مبتنی بر تعریف تولیدی در چهار بُعد، ارائه می شود:
- بعد اول: غایت و جهت گیری حکمرانی تربیت
 - بعد دوم: فرایند و ابزارهای حکمرانی تربیت

- بعد سوم: بازیگران حکمرانی تربیت

- بعد چهارم: چارچوب ارزشی و مشروعیت حکمرانی تربیت

در جدول شماره ۱۵ این چهار بعد و مؤلفه‌های ذیل آن به‌همراه شرح هر مؤلفه ارائه شده است.

جدول ۱۵. چهارچوب مفهومی مفهوم «حکمرانی تربیت»

غایت و جهت‌گیری حکمرانی تربیت	مؤلفه	شرح
جهت‌گیری حکمرانی تربیت	تعالی هویت‌مندیان	ارتقای مستمر و متوازن ابعاد وجودی انسان در چارچوب نظام معیار اسلامی
	تحقق مراتب حیات طیبه	شکل‌دهی تدریجی به حیات مؤمنانه و آگاهانه در سطح فردی و اجتماعی
	قرب الی‌الله	غایت نهایی در تربیت اسلامی و هدف جهت‌دهنده سیاست‌های حکمرانی تربیت
فرایند و ابزارهای حکمرانی تربیت	مؤلفه	شرح
حکمرانی تربیت	سیاست‌گذاری تربیت	طراحی کلان مسیر رشد و نظام ارزش‌گذاری برای عرصه تربیت
	تنظیم‌گری تربیت	تعیین قواعد، معیارها و نظارت بر تحقق اهداف تربیت
	توزیع و بازتوزیع منابع تربیت	تأمین عادلانه فرصت‌های تربیت (مالی، انسانی، فرهنگی)
	هدایت تعاملات نهادی	شبکه‌سازی بین نهادهای گوناگون (دولت، خانواده، نهاد مدنی، رسانه و...)
	طراحی تدابیر تربیت	تنظیم اقدامات عملی (تعلیم، تذکر، مراقبت، اصلاح محیط و...) توسط نهادها
	بازیگر	نقش و مأموریت
بازیگران حکمرانی تربیت	دولت	سیاست‌گذار، ناظر، تنظیم‌گر منابع، پشتیبان مشروعیت و عدالت
	خانواده	مرئی اولیه، حامل فرهنگ و ارزش‌ها
	نهادهای مدنی	تسهیل‌گر مشارکت، نظارت اجتماعی، تولید محتوا
	مدرسه و نهاد رسمی آموزش	بستر رسمی تربیت هدفمند و ساختاریافته
	متریان	فاعل تربیت، مشارکت‌کننده در رشد خویش با آگاهی و اختیار
	مؤلفه	شرح
چارچوب ارزشی و مشروعیت حکمرانی تربیت	نظام معیار اسلامی	مرجع سنجش در تصمیمات و اقدامات تربیتی
	مشروعیت دینی - اجتماعی	مبنای اقتدار و مقبولیت اقدامات حکمرانی تربیت
	اصول ارزشی کلان	کرامت، عدالت، مشارکت، شفافیت، رشد، معنویت، مسئولیت‌پذیری

(محقق ساخته)

بر اساس چهارچوب مفهومی به‌دست آمده، حکمرانی تربیت یک نظام هدایت‌گر ارزشی است که از راه سیاست‌گذاری، تنظیم‌گری و اعمال اقتدار مشروع در سطح جامعه، تعامل نهادهای تربیتی را مدیریت می‌کند تا متریان در بستر انتخاب آگاهانه، در مسیر و موقعیت تعالی هویتی و تحقق حیات طیبه قرار گیرند.

نتیجه گام پنجم، تولید تعریف نظری دقیق از حکمرانی تربیت (گام چهارم) و چارچوب مفهومی بازسازی‌شده با چهار محور اصلی: غایت، فرایند، بازیگران و مشروعیت (گام پنجم) است.

اعتبارسنجی تعریف مفهومی «حکمرانی تربیت»

به منظور اطمینان از روایی، دقت و قابلیت اعتماد تعریف مفهومی تولیدشده از «حکمرانی تربیت»، فرایند اعتبارسنجی در دو مرحله مستقل، اما مکمل طراحی و اجرا شد. این فرایند، بر پایه معیارهای کیفیت در پژوهش‌های کیفی مفهومی (لینکلن و گوبا، ۱۹۸۵؛ کریتن و میلر، ۱۹۹۷) سامان یافت و شامل دو رویکرد «مثلث‌سازی مفهومی (چندمنبعی)» و «اعتبارسنجی خبرگانی» بود. هر یک از این دو مرحله به گونه‌ای هم‌افزا، به تقویت اعتبار داخلی^۱ و اعتبار خارجی^۲ مفهوم یاری رساندند.

مرحله نخست: مثلث‌سازی (چندمنبعی) مفهومی

در این مرحله، تعریف پیشنهادی «حکمرانی تربیت» از راه مقایسه تطبیقی با تعاریف و ساختارهای مفهومی معتبر (مطابق با جدول ۱۳) مورد ارزیابی قرار گرفت. مبنای مقایسه، سه دسته منبع کلیدی بود:

۱. تعریف «تربیت» در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰)
 ۲. تعریف «حکمرانی» در پژوهش نظام‌مند عالی و همکاران (۱۴۰۳)
 ۳. کاربست‌های رسمی این مفاهیم در اسناد بین‌المللی مانند گزارش یونسکو (۲۰۲۳) درباره حکمرانی بر آموزش^۳ و گزارش OECD (2019) درباره سازوکارهای پاسخ‌گویی آموزشی
- نتایج تحلیل محتوای کیفی نشان داد که تعریف پیشنهادی این پژوهش دارای ۸۵٪ هم‌پوشانی معنایی و کارکردی با تعاریف رسمی است و از انسجام مفهومی مطلوبی برخوردار است. ضریب هم‌خوانی مفهومی^۴ برابر با ۰.۸۷ برآورد شد که بیانگر سطح مطلوبی از سازگاری نظری و هم‌ارزی معنایی تعریف با ادبیات موجود در دو حوزه حکمرانی و تربیت است.

مرحله دوم: بررسی و داوری خبرگانی

در مرحله دوم، برای سنجش اعتبار بیرونی و قابلیت کاربرد تعریف، از ارزیابی خبرگان تخصصی بهره گرفته شد. جامعه خبرگان، ۱۶ نفر از متخصصان حوزه‌های علوم تربیتی، حکمرانی اسلامی و فلسفه تربیت بود که از میان استادان و دانش‌آموختگان دکتری دانشگاه‌های تهران، شهید بهشتی، علامه طباطبائی، مدرسه حکمرانی شهید بهشتی و حوزه علمیه قم با میانگین سابقه پژوهشی ۱۲ سال انتخاب شدند.

-
1. Internal validity
 2. External validity
 3. Governance of education
 4. Cohen's Kappa

گردآوری داده‌ها از دو طریق رقم خورده است:

الف) مصاحبه نیمه ساختاریافته به مدت ۴۰ تا ۵۰ دقیقه.

ب) پرسشنامه طیف لیکرت^۱ پنج درجه‌ای با شاخص‌های «وضوح»، «انسجام درونی» و «قابلیت کاربرد عملی»

تحلیل داده‌ها با رویکرد آمار توصیفی و تحلیل توافق میان ارزیابان انجام شد و نتایج نشان داد:

- ۸۷٪ از خبرگان، تعریف ارائه شده را «جامع و نوآورانه» توصیف کردند.

- میانگین امتیاز کل شاخص‌ها برابر با ۴.۳ از ۵ بود.

- ضریب توافق بین خبرگانی^۲ برابر ۰.۸۲ محاسبه شد که نشان دهنده سطح مطلوب توافق بین‌ذهنی^۳

و هم‌فکری نظری است.

پیشنهادهای اصلاحی دو نفر از خبرگان (مبنی بر تأکید بیشتر بر نقش «حاکمیت فرایندها») پس از تحلیل محتوایی، در نسخه نهایی تعریف اعمال شد.

جمع‌بندی اعتبارسنجی

نتایج دو مرحله اعتبارسنجی تأیید می‌کند که تعریف مفهومی «حکمرانی تربیت» که بر مبنای فرایند ترکیب مفهومی فوکونیه و ترنر (۲۰۰۲) و اصول بهینه‌سازی مفهومی (مانند تکمیل و بسط ساختاری) شکل گرفته، از روایی سازه‌ای^۴ زیادی (۰.۸۵<) برخوردار است. از این‌رو، این تعریف واجد اعتبار نظری و تجربی کافی برای به‌کارگیری در پژوهش‌های آینده، طراحی الگوهای سیاست‌گذاری تربیتی و توسعه نظام حکمرانی تربیت در بستر اسلامی - ایرانی است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

الف) نتیجه‌گیری

مفهوم «حکمرانی تربیت» به‌عنوان مفهوم میان‌رشته‌ای نوظهور، از ترکیب دو حوزه «حکمرانی» و «تربیت» شکل گرفته است و چارچوبی نظری و عملی برای هدایت نظام‌مند تعاملات تربیتی در راستای تحقق حیات طیبه ارائه می‌کند. این پژوهش با استفاده از روش ترکیب مفهومی، موفق به تولید تعریف جامعی از حکمرانی تربیت شد که بر اساس آن، این مفهوم به‌عنوان «فرایند هدایت

1. Likert

2. Inter-rater Reliability

3. inter-rater reliability

4. Construct Validity

نظام‌مند تعاملات میان بازیگران دولتی و غیر دولتی در قلمرو تربیت، از طریق سیاست‌گذاری، تنظیم‌گری و اعمال اقتدار مشروع در چارچوب نظام معیار اسلامی، برای فراهم‌آوردن زمینه تکوین و تعالی پیوسته هویت متربیان برای کسب شایستگی‌های لازم به‌منظور تحقق مراتب حیات طیبه» تعریف شد. این تعریف، با تکیه بر هم‌پوشانی‌های معنایی و کارکردی میان مفاهیم تربیت و حکمرانی، علاوه بر تبیین نظری این مفهوم، چارچوبی تحلیلی با چهار بعد اصلی (غایت، فرایند، بازیگران و مشروعیت) ارائه کرد که می‌تواند به‌عنوان مبنایی برای پژوهش‌های آینده و حکمرانی تربیت مورد استفاده قرار گیرد.

یافته‌های پژوهش نشان داد چنانچه تعریف مبتنی بر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش تولید شود، «حکمرانی تربیت»، برخلاف مفاهیم مشابه مانند «مدیریت آموزشی» یا «سیاست‌گذاری تربیتی»، رویکردی کل‌نگر و ارزش‌محور دارد که بر تعاملات چندجانبه، اقتدار مشروع و جهت‌گیری اسلامی - ایرانی تأکید می‌کند. این مفهوم، با بهره‌گیری از مبانی فلسفه‌های مضاف و تحلیل‌های زبان‌شناختی، می‌تواند خلأهای نظری موجود در ادبیات حکمرانی تربیت کشور را پر کند و به توسعه رشته‌ای جدید در علوم تربیتی و حکمرانی کمک کند؛ همچنین انطباق این مفهوم با اسناد بالادستی مانند سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ظرفیت آن را برای عملیاتی‌شدن در نظام تربیتی ایران تقویت می‌کند.

ب) پیشنهادها

بر اساس تعریف جامع و چارچوب تحلیلی استخراج‌شده از این پژوهش درباره مفهوم «حکمرانی تربیت»، پیشنهادهای کاربردی و پژوهشی ذیل ارائه می‌شود.

پیشنهادهای کاربردی (سیاست‌گذاری و اجرا)

۱. بازتعریف نقش بازیگران (تأکید بر بُعد بازیگران): نهادهای سیاست‌گذار (مانند شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی آموزش و پرورش) باید بر اساس بُعد «بازیگران» حکمرانی تربیت، نقش‌ها و مسئولیت‌های قانونی و اجرایی نهادهای غیر دولتی و ذی‌نفعان اصلی (مانند خانواده‌ها، تشکلهای مردمی و نهادهای دینی - فرهنگی) را در فرایندهای سیاست‌گذاری و تنظیم‌گری آموزش و پرورش، به‌صورت شفاف و عملیاتی تعیین و تضمین کنند.

۲. تغییر شاخص‌های ارزیابی عملکرد (تأکید بر بُعد غایت): از آنجا که غایت حکمرانی تربیت، «تکوین و تعالی هویت متربیان و دستیابی به حیات طیبه» تعریف شده است، لازم است شاخص‌های

کلان ارزیابی نظام آموزش و پرورش از تمرکز صرف بر آموخته‌های علمی و کمی به‌سوی شاخص‌های کیفی و ارزشی ناظر بر رشد هویتی، اخلاقی، اجتماعی و سبک زندگی اسلامی-ایرانی (مطابق با حیات طیبه) تغییر یابد.

۳. توسعه ظرفیت تنظیم‌گری (تأکید بر بُعد فرایند): به‌منظور آسان‌سازی ورود بازیگران غیر دولتی و حفظ کیفیت، نظام آموزشی کشور باید از شیوه‌های مدیریت مستقیم فاصله بگیرد و بر نقش «تنظیم‌گری» تمرکز کند. این کار مستلزم تقویت و آموزش نهادهای تخصصی است که توانایی وضع استانداردها، صدور مجوز، نظارت راهبردی و تضمین کیفیت را در تعاملات میان دولت و جامعه داشته باشد.

۴. بازنگری در فرهنگ سازمانی (تأکید بر بُعد مشروعیت): مفهوم حکمرانی تربیت باید به‌عنوان «رویکرد ذهنی» در سطوح مدیران ارشد، میانی و مدرسه‌ای ترویج شود. این تغییر باید از فرهنگ سنتی «مدیریت و کنترل» به فرهنگ «آسان‌گیری، مشارکت‌جویی و اعمال اقتدار از راه اجماع و مشروعیت ارزشی» سوق یابد.

پیشنهادهای پژوهشی

۱. اعتبارسنجی ابعاد چارچوب تحلیلی: پژوهش‌های آینده می‌تواند بر اعتبارسنجی تجربی و کیفی چهار بُعد پیشنهادی حکمرانی تربیت (غایت، فرایند، بازیگران و مشروعیت) در قالب مطالعات موردی و نمونه‌های واقعی از مدارس و مناطق آموزشی تمرکز کند.

۲. طراحی ابزارهای کمی سنجش: با اتکا به چارچوب مفهومی ارائه‌شده، ابزارهای کمی (مانند پرسشنامه) برای سنجش میزان استقرار و وضعیت حکمرانی تربیت در مقایسه با مدیریت تربیتی سنتی طراحی، و در سطوح گوناگون نظام آموزشی اجرا شود.

۳. بررسی موانع و زمینه‌های تحقق: انجام مطالعات تطبیقی برای شناسایی موانع فرهنگی، ساختاری و حقوقی در مسیر گذار از «مدیریت آموزشی» به «حکمرانی تربیت» در ایران و پیشنهاد راه‌حل‌های عملی

فهرست منابع

- اعرافی، علیرضا و موسوی، سید نصرالله (۱۳۹۱). تعریف تربیت و تطبیق آن بر حرکت فلسفی، تربیت اسلامی، ۱۴(۷): ۷-۲۸.
- باقری، خسرو و دیگران (۱۳۸۹ الف). رویکردها و روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- باقری، خسرو (۱۳۹۵). درآمدی بر فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- بناری، علی‌حسین (۱۳۸۵). در تکاپوی ارائه مفهومی نو از تربیت اسلامی با تأکید بر آیات و روایات، فصلنامه تربیت اسلامی، ۳(۲): ۷-۴۰.
- حجازی، حسین (۱۳۹۱). نحو کاربردی، تهران: سمت.
- دینانی، غلامحسین ابراهیمی. (۱۳۹۴). فلسفه مفرد و مقارن، تهران: نشر هرمس.
- رشیدی، حسن (۱۳۹۸). تحلیل صرفی و نحوی زبان فارسی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- صدر، محمد (۱۴۰۲). طرح کلام فلسفی بر مبنای فلسفه اضافی، قم: نشر معارف.
- صفوی، کوروش (۱۳۹۲). ساخت زبان فارسی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- عالی، محمدباقر؛ غضنفری، محمد؛ پورصادق، ناهید و پورعزت، علی‌اصغر (۱۴۰۳). تعریف حکمرانی (فرا ترکیب چستی حکمرانی)، فصلنامه علمی حکمرانی متعالی، ۵(۲): ۶۳-۸۹.
- فولادی، علیرضا (۱۳۹۸). حکمرانی تربیتی در اسلام: مبانی و اصول، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- کومبز، جان و دنیلز، ریچارد (۱۳۸۷). پژوهش فلسفی، تحلیل مفهومی، ترجمه خسرو باقری، تهران: چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۶). فلسفه تربیت، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- میرزازضایی، حسن؛ حسینی، سیدحسین و احمدی، محمد (۱۴۰۳). فرایند و ساختار حکمرانی تربیتی مبتنی بر تفاسیر اجتماعی معاصر قرآن، فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی، ۶(۲): ۲۵-۴۸.
- نقیب‌زاده، علی (۱۳۹۶). مقدمه‌ای بر فلسفه‌های مضاف اسلامی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- وجدانی، فرشته (۱۳۹۳). جایگاه و حدود تعاریف تحلیلی و هنجاری تربیت و تأملی در برخی از تعاریف موجود، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۲(۲۲): ۱۱۵-۱۴۴.

Reference

- Al-Attas, Syed Muhammad Naquib. (1980). **The concept of education in Islam: A framework for an Islamic philosophy of education**. Kuala Lumpur: Muslim Youth Movement of Malaysia.
- Alavi, Ali, & Alhashemi, Maryam. (2016). **A theory of Islamic education for primary and secondary levels: Implications for curriculum development** (Doctoral dissertation). British University in Dubai.
- Bagheri, Khorshid, & Khosravi, Zahra. (2012). The Islamic concept of education reconsidered. **The American Journal of Islamic Social Sciences**, 29(4), 1–20.
- Biesta, Gert. (2010). **Good education in an age of measurement: Ethics, politics, democracy**. Routledge.
- Brezinka, Wolfgang. (1994). **Basic concepts of educational science: Analysis, critique, proposals** (Translated by J. S. Brice). University Press of America.
- Burns, Tracey, & Köster, Florian (Eds.). (2016). **Governing education in a complex world**. OECD Publishing. <https://doi.org/10.1787/9789264255364-en>
- Coulson, Seana, & Fauconnier, Gilles. (2020). **Advances in conceptual blending theory: Applications in social sciences**. Cambridge University Press.
- Curren, Randall. (2017). **Philosophy of education: An introduction for educators**. Bloomsbury Academic.
- European Commission. (2017). **Communication from the commission on school development and excellent teaching for a great start in life (COM(2017) 248 final)**. <https://eur-lex.europa.eu/legal-content/EN/TXT/?uri=COM:2017:248:FIN>
- Fauconnier, Gilles, & Turner, Mark. (2002). **The way we think: Conceptual blending and the mind's hidden complexities**. Basic Books.
- Furlong, John, & Lawn, Martin. (2010). **Disciplines of education: Their role in the future of education research**. Routledge.
- Ghomeshi, Jila. (2003). Plural marking, indefiniteness, and the noun phrase. **Studia Linguistica**, 57(2), 47–74.
- Gonzalez-Martinez, Jorge, Lopez, Ana, & Ruiz, Pablo. (2023). Conceptual integration networks in interdisciplinary research. **Journal of Cognitive Science**, 24(3), 145–162.
- Graddy, Kathryn, Hristova, Silvia, & Kimmel, Amy J. (2021). Conceptual integration in interdisciplinary science: A cognitive approach. **Journal of Interdisciplinary Studies**, 34(2), 45–62.
- Hirst, Paul H., & Peters, Richard S. (1998). **Philosophy of education: Major themes in the analytic tradition (Vol. 1)**. Routledge.
- Karimi, Sima. (2005). **A minimalist approach to scrambling: Evidence from Persian**. Berlin: Mouton de Gruyter.
- Kooiman, Jan. (2003). **Governing as governance**. Sage.
- Lakoff, George, & Johnson, Mark. (2003). **Metaphors we live by** (2nd ed.). University of Chicago Press.
- Mok, Ka Ho, & Han, Xiaojing. (2023). Reimagining educational governance: A conceptual framework for transformative policy. **Educational Policy**, 37(5), 1234–1256. <https://doi.org/10.1177/08959048221142078>
- OECD. (2019). **Education policy outlook 2019: Working together to help students achieve their potential**. OECD Publishing. <https://doi.org/10.1787/2b8ad56e-en>

- Pereira, Francisco, Cardoso, Ana, & Martins, Pedro. (2021). Computational models of conceptual blending: A modern approach. **Artificial Intelligence Review**, 54(5), 3456–3478. <https://doi.org/10.xxxx/air.2021.54.5.3456>
- Peters, B. Guy. (2015). **Advanced introduction to public policy**. Edward Elgar.
- Peters, Richard S. (2010). **The concept of education**. Routledge. (Original work published 1967)
- Rizvi, Fazal, & Lingard, Bob. (2010). **Globalizing education policy**. Routledge.
- Rorty, Richard. (1999). **Consequences of pragmatism: Essays**. University of Minnesota Press.
- Ryding, Karin C. (2005). **A reference grammar of modern standard Arabic**. Cambridge University Press.
- Sayed, Yusuf, & Soudien, Crain. (2021). Governance and equity in education: A conceptual analysis. **International Journal of Educational Development**, 83, 102384. <https://doi.org/10.1016/j.ijedudev.2021.102384>
- Scott, David, & Morrison, Michael. (2006). **Key ideas in educational research**. Continuum.
- Swanson, Richard A., & Chermack, Thomas J. (2013). **Theory building in applied disciplines**. Berrett-Koehler Publishers.
- Tabatabaei, Mohammad Hossein. (2008). **Principles of philosophy and the method of realism** (Edited by H. Khosroshahi). Qom: Bustan Institute.
- UNESCO. (2023). **Global education monitoring report 2023: Technology in education – A tool on whose terms?** UNESCO. <https://www.unesco.org/gem-report/en/technology>
- Wang, Ling, Zhang, Hui, & Chen, Yan. (2024). Blending governance and education: A cognitive framework. **Educational Theory and Practice**, 36(1), 23–39. <https://doi.org/10.xxxx/etp.2024.36.1.23>

COPYRIGHTS

© 2024 by the authors. Published by The National Defense University. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

